

جزوه عروض - وزن همسان و غیر همسان

مهارت تشخیص وزن اشعار به صورت سماعی

انواع هجاها:

در وزن شعر، هجاهای فارسی از نظر امتداد (تعداد حروف) سه نوع‌اند؛

هجای کوتاه (مانند نَه و تو)،

هجای بلند (مانند سَر و پا)

و هجای کشیده (مانند نَرَم و گفت).

این تقسیم‌بندی کاملاً درست است؛ اما برای مهارت مورد نظر باید اصلاحیه‌ای در آن وارد کرد. می‌دانیم که در تقطیع هجایی، هجای کشیده به صورت (-U) تقطیع می‌گردد، یعنی شامل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه می‌شود. برای این که بتوانیم وزن شعر را بدون نوشتن هجاها روی کاغذ تشخیص دهیم، باید این نکته را در تلفظ هجاهای کشیده در اشعار رعایت کنیم. به این ترتیب ما فقط دو هجا داریم:

1- هجای بلند: مانند «سَر» که آن را به صورت «تَن» می‌توان تصور کرد.

2- هجای کوتاه: مانند «تو» که آن را به صورت «تَ» می‌توان تصور کرد.

در مورد هجاهای کشیده هم باید آن‌ها را یک هجای بلند و یک هجای کوتاه در نظر بگیریم. برای مثال شعر زیر را در نظر بگیرید:

بنواخت نورِ مصطفی آن اُستنِ حنانه را / کمتر ز چوبی نیستی، حنانه شو حنانه شو

اگر بخواهیم مصراع اول این بیت را با هجاهای کوتاه و بلند نشان دهیم به صورت زیر در خواهد آمد:

- U - - - U - - - U - - - U - -

تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن تَن

ملاحظه می‌کنید که در هجای دوم که هجایی کشیده است، ما در تقطیع هجایی از یک هجای بلند و یک هجای کوتاه (تَن تَ) استفاده کرده‌ایم.

اما طرز خواندن شعر باید چگونه باشد تا به صورت سماعی این وزن درک شود؟

پاسخ این است که در خواندن هجاهای کشیده باید یک مصوت کوتاه به آخرین حرف آن‌ها اضافه کنیم (البته این کار فقط برای تشخیص وزن است و گرنه طرز تلفظ درست به همان صورت قبلی است).

یعنی هجای «واخت» را در مصراع بالا باید به صورت «واخت» تلفظ کرد. اما باز هم شاید سؤالی پیش بیاید که در همین هجای کشیده بخش اول آن (یعنی «واخ») هنوز هم کشیده است؟! در این مورد باید به این دقت کنید که با افزودن مصوت کوتاه ـ به انتهای هجا برای این که آهنگ اولیه‌ی مصراع از دست نرود باید مصوت «ا» در «واخ» را کوتاه تلفظ کنیم پس باز هم یک هجای بلند و یک هجای کوتاه خواهیم داشت. (این حالت تلفظ در مورد هجای ششم مصراع دوم هم صدق می کند:

نیستی <---- نیستی)

حال با توجه به این که ارکان معرفی شده در کتاب هجای کشیده ندارد و همگی 19 رکن (فاعلاتن، فاعلن، مفاعیلن، فعولن، مستفعّلن، مفعولن، فعلاتن، فَعَلن، مفاعلن، مفتعلن، فَعَلن، فاعلات، فعلات، مفاعیل، مستفعّل، مفعول، مفاعل، فَعَل، فع) فقط از هجاهای بلند و کوتاه تشکیل شده‌اند، و می توان راحت تر وزن شعر را حدس زد.

اختیارات شاعری:

بار دیگر این بیت را در نظر بگیرید:

بنواخت نورِ مصطفی آن اُستنِ حنّانه را کمتر ز چوبی نیستی، حنّانه شو حنّانه شو

اگر با آواز سنتی ایرانی آشنا باشید و بتوانید این بیت را به صورت آوازی بخوانید خواهید دید که مثلاً در هجای چهارم مصراع اول مجبورید صدای خود را بکشید (با این که هجا، یک هجای کوتاه است «ر»)

در این موارد می توان گفت این مصوت کوتاه، بلند تلفظ می شود؛ پس اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه را داریم. (برای آشنایی بیشتر با طریقه‌ی آوازخوانی خواندن این بیت می توانید به اثر بسیار زیبای «سیدخلیل عالی‌نژاد» روی همین شعر مولانا رجوع کنید.) این حالت را در هجاهای نهم مصراع اول، هجای سوم مصراع دوم و هجای دوازدهم مصراع دوم هم داریم.

حال بیت زیر را در نظر بگیرید:

نه سبو پیدا درین حالت نه آب خوش‌ببین والله اعلم بالصّواب

می دانیم که هجای اول مصراع اول این بیت کوتاه است و بلند تلفظ می گردد. روش دیگر تشخیص این اختیار شاعری این است که اگر بعد از هجای کوتاه موردنظر صامت داشته باشیم (مانند «س» در واژه‌ی «سبو») در هنگام خواندن شعر این صامت کمی سنگین تر (با تشدید) تلفظ می گردد.

در این مصراع مشاهده می کنید که هنگام تلفظ واژه‌ی «سبو» مجبورید «س» آن را کمی سنگین تر از حد معمول تلفظ کنید. اگر به این حالت در مصراعی برخوردیم می توان گفت هجای قبلی دارای اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه است.

در مورد اختیارات شاعری دیگر مانند قلب و ابدال و تبدیل فاعلاتن به فعلاتن (اختیارات وزنی) روش خاصی وجود ندارد اما اگر یاد بگیرید که وزن شعر را با شنیدن آن حدس بزنید ملاحظه خواهید کرد که اگر هر کدام از این اختیارات در مصراع رخ داده باشد در آن قسمت شما احساس یک نوع خلل و فرج در وزن خواهید داشت که اگر کمی دقیق شوید محل استفاده از اختیار مورد نظر را خیلی راحت پیدا خواهید کرد.

علاوه بر این با پیشرفت در این مهارت می‌توانید بلافاصله پس از شنیدن یا خواندن شعر وزن آن را به همان صورت بگویید

پس مثلاً برای تشخیص اختیاری مانند «قلب» کافیست بحر اصلی شعر را تشخیص داده و بعد از آن ببینید که در کجای بیت مثلاً قرار بوده که «مفتعلن» داشته باشیم اما «مفاعلن» داریم.

در مورد تشخیص وزن اشعار به صورت سماعی در ابتدا ذکر چند نکته لازم می‌نماید:

1- این مهارت یک توانایی شخصی است و روش خاصی بر نمی‌تابد و هر کس می‌تواند به روش خود آن را به کار گیرد.

2- تنها توانایی لازم که قبل از یادگیری این مهارت برای شخص لازم است، درست خواندن شعر است. اگر شعر درست خوانده شود در حقیقت وزن آن به درستی درک شده است. برای این که بتوانیم اشعار را درست بخوانیم مطالعه‌ی آثار سعدی، مولانا، حافظ و مخصوصاً اشعار شاعران سبک هندی و نیمایی (مانند صائب و نیما) و مخصوصاً استفاده از آثار موسیقی سنتی ایرانی که بهترین نمونه‌های شعرخوانی را می‌توان در آن سراغ گرفت توصیه می‌شود.

3- هدف از آموزش این روش، فقط برای بالا بردن مهارت تشخیص وزن است .

4- روش‌های ارائه شده در این مقوله، باید به صورت ذهنی انجام شوند و قصد ما از نوشتن آن فقط تشریح بیشتر است.

با این همه ما در اینجا سعی خواهیم کرد این مهارت را تا حدی که امکان دارد آموزش دهیم؛ یعنی که یک سری از قواعد را بیان خواهیم کرد که در تشخیص وزن به صورت سماعی به کار می‌آیند اما باز هم تأکیدمان بر این است که این نکات تنها روش ممکن نیستند.

پایه‌های آوایی_همسان

پس از شناخت پایه‌های آوایی اکنون به چگونگی قرار گرفتن آن‌ها در کنار یکدیگر توجه کنید. گاهی پایه‌های آوایی به شکل منظم در کنار همدیگر قرار می‌گیرند و به این ترتیب ما آهنگ یکسانی را می‌شنویم و پایه‌های آوایی همسان داریم. به چینش ابیات زیر توجه فرمایید:

در این درگاه بی چونی همه لطفست و موزونی چه صحرایی چه خضری چه درگاهی نمی دانم

پایه های آوایی: درین درگاه بی چونی همه لطفست / موزونیچه صحرایی / چه خضری / چه درگاهی / نمی دانم

با خوانش_درست بیت درنگی به سامان و منظم را در بین پایه ها احساس می کنیم و در واقع می بینیم که هر مصرع از چهار پایه تکراری و هماهنگ درست شده که به آن ها پایه های_آوایی_همسان می گوئیم. اکنون برای هر پایه معادل و نماد آوایی می آوریم. که به آن ها وزن واژه یا اسم_رکن گفته می شود

. پس وزن واژه مفاعیلن است که هر پایه آن از یک خوشه هجایی (یک هجای کوتاه و سه هجای بلند معادل U - -) تشکیل شده است. به نمونه زیر توجه کنید: خداوندا شبم را روز گردان چوروزم بر جهان پیروز گردان پایه های آوایی: خداوندا/شبم را روز/گردان چُ روزم بر /جهان پیروز/ گردانمفاعیلن مفاعیلن فعولنیا مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
♦ مفاعیل

دیدیم که تعداد پایه های این بیت با بیت قبلی متفاوت است. هر مصرع از سه رکن تشکیل شده و یک هجا از پایان پایه آخر حذف شده است: به بیت بعد توجه کنید: روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد پایه های آوایی: روزگار است این که گه عزت دهد گه /خوار دارد چرخ بازی/ اگر از این با /بازیچه ها بس/ یار دارد وزن واژه: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن خوشه های هجایی:

- U - - -U- - -U- - - U - -

گاهی بافت موسیقایی شعر کوتاه تر می گردد و خانه های از پایه های آوایی کم می شود که در نتیجه وزن شعر دچار دگرگونی می گردد.

مانند این بیت: من به هر جمعیتی نالان شدم جفت خوش حالان و بد حالان شدم

پایه های آوایی:

من به هر جم / جمعیتی / نالان / شدم

من / اب / اهر / جم / اعی / ای / تی / نالان / اش / ادم

جفت خوش / حا / لان / بد / حالان / شدم

جف / ات / خش / حا / لان / بد / حا / لان / اش / ادم

وزن واژه: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

خوشه‌های هجایی :

(-U- / - - U- / - - U-)

آشنایی با وزن واژه‌های عروضی: می دانیم که در صرف عربی برای بیان ریشه فعل و مشتقات آن، از سه حرف (ف، ع، ل) استفاده می‌شود و با ترکیب آنها با حروف م، ت، و، ا، ن، ی، س کلماتی ساخته می‌شوند که قابل تطبیق بر ارکان و وزن‌واژه‌های عروضی‌اند. این شیوه در فارسی نیز پذیرفته شده است، البته این قرارداد است و می‌توان به جای آن هر معادل دیگری را به کار برد. مانند :

ت تن تن = فعولن ((- - U آشناترین وزن واژه‌ها عبارتند از: فعولن (U - -) مفاعیلن (U - - -) فاعلاتن (-U - -) مستفعلن (-U - -) فعاتلتن (U - - -) مفتعلن (-U U -)

نوع	رکن عروضی	نوع هجا	کشش موسیقی
1	یک هجایی	فَع	-
2	دو هجایی	فَعَل	-U
3	سه هجایی	فَع لَن	--
		فَعْلَن	-UU
		فَاعْلَن	-U-
		فَعولَن	--U
		مفعولَن	---
4	مفعولُ	U--	
	فاعلاتن	--U-	
	فاعلاتُ	U-U-	
	فعاتلتن	--UU	
	فعاتلُ	U-UU	
	مفاعیلن	---U	
	مفاعیلُ	U--U	
	مفاعیلُن	-U-U	
	مستفعلن	-U--	
	مستفعلُ	UU--	
مفتعلن	-UU-		
5	پنج هجایی	متفاعلن	-U-UU
		مستفعاتلتن	--U--

منظور از پایه‌های آوایی، همان ارکان عروضی است؛ مانند:

مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعّلن، فعولن، فاعلن، فعلاتن، مفتعلن، مفاعلن، مفعولن، فعلن، فاعلات، مفاعیل، مستفعل، فعلات، مفعول، فعل، فع لن، فع و...

بنابراین، هدف این درس، آموزش تقطیع به ارکان عروضی است؛ اما نه به شیوه‌ی نوشتاری، بلکه به شیوه‌ی شنیداری. برای آموزش شنیداری پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، لازم است:

1- تقطیع هجایی و انواع هجا یادآوری شود.

2- پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) یادآوری شود.

3- برای هر یک از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) نمونه‌هایی هم‌وزن، تمرین و تکرار شود؛ مثلاً:

هم‌زمانی = فاعلاتن

رفته بودم = فاعلاتن

هماهنگی = مفاعیلن

کما بیش = فعولن

پیچیده = مفعول

سخندان = فعولن

مطابقت = مفاعلن

گفتم خوشا = مستفعّلن

ای ساریان = مستفعّلن

مرنجان = فعولن

و...

نمونه‌های دیگری از پایه‌های آوایی،

آمده‌ام = مفتعلن

شکیبایی = مفاعیلن

نمی دانم = مفاعیلن

نگفتم = فعولن

نباید = فعولن

بشورم = فعولن

زمستان = فعولن

کجایی = فعولن

خوانده بودم = فاعلاتن

می توانم = فاعلاتن

مزاحمت = مفاعیلن

سجاوندی = مفاعیلن

رفته باشی = فاعلاتن

پس از تمرین و تکرار بسیار این گونه نمونه‌ها و تطبیق دادن شنیداری و نوشتاری آن‌ها با پایه‌های عروضی، به دانش‌آموزان می‌گوییم:

اکنون می‌خواهیم مصراع‌ها را متناسب با پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) به صورت شنیداری، تقطیع کنیم و برای این کار لازم است:

1- هر مصراع را درست بخوانیم. و هر طور که می‌خوانیم آن را هجا بندی یا بخش کنیم

مرنجان : م / ارن / جان - د / لم / ا - ک / این / مر - غ / وح / اشی

2- با توجه به آهنگ هر مصراع و درنگ‌های آن، مصراع را به صورت زبانی براساس یکی از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، تقطیع نماییم؛ مثلاً:

مرنجان (فعولن) دلم را (فعولن) که این مُر (فعولن) غ وحشی (فعولن)

یا:

به نازی (فعولن) که لیلی (فعولن) به محمل (فعولن) نشیند (فعولن)

یا:

ای ساربان (مستفعلن) آهسته ران (مستفعلن) کارام جا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)

یا:

من مانده ام (مستفعلن) مهجور زو (مستفعلن) در مانده و (مستفعلن) رنجور زو (مستفعلن)

گویی که نی (مستفعلن) شی دور زو (مستفعلن) در استخا (مستفعلن)
نم می رود (مستفعلن)

می بینیم که مصراع‌ها همان گونه که خوانده می شوند، به پایه‌های آوایی، تقسیم می شوند؛ بنابراین باید بتوانیم بیت را درست و شیوا بخوانیم.

در تقسیم بیت زیر به پایه‌های آوایی توجه کنید:

محمل بدار ای ساربان، تندی مکن با کاروان
کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود

مستفعلن	مح / مل / ب / ا / دا /	مستفعلن
مستفعلن	ری / سا / را / بان /	مستفعلن
مستفعلن	تن / دی / لم / اکن	مستفعلن
مستفعلن	با / کا / را / وان /	مستفعلن
مستفعلن	کز / عش / اق / آن	مستفعلن
مستفعلن	سر / و - / را / وان	مستفعلن
مستفعلن	گو / یی / را / وا /	مستفعلن
مستفعلن	نم / می / را / ود	مستفعلن

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آن‌ها توجه کنید.

1) هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد
هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد

هر ک چیزی دوست دارد | جان دل بر او گمارد

هر ک محرابش تو باشی | سر ز خلوت بر ندارد

2- بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

بلبلی بر او گلی خوش‌رنگ در منقار داشت

و ندران بر او نوا خوش‌ناله‌های زار داشت

3- ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

4- الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز
در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

الاهی سینه‌ای ده آتش‌افروز

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

5- خدایا تو دانی که بر ما چه آمد
خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد

خُدایا | تُو دانی | کِ بر ما | چِ آمد

خُدایا | تُو دانی | کِ ما را | چِ می شد

6- بضاعت نیوردم آلا امید

خدایا ز عفوم مکن ناامید

بضاعت | نیورا | دِ مِلا | امید

خدایا | ز عفوم | مکن نا | امید

7- یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا | یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا

یار مرا | غار مرا | عشق جگر | خار مرا // یار تویی | غار تویی | خاجِ نِگه | دار مرا

8- دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را // دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

دل می رود | زدستم | صاحب دلان | خدا را // دردا کِ را | ز پنهان | خواهد شد | شکارا

بحر	ارکان عروضی (پایه های آوایی)
1- رمل :	فاعلاتن ← (فاعلن = محذوف) ← : فاعلا «تن» از آخر حذف = فاعلن خوانده می شود - حذف دو حرف از آخر = محذوف (مقصور)
	(فعاتن = مخبون) ← (الف از حرف دوم فاعلاتن حذف) = مخبون
	(فعلامخبون محذوف) ← که (فعلن خوانده می شود) - حذف حرف دوم ؛ می شود فعاتن مخبون و حذف دو حرف آخر از فاعلاتن محذوف
	(فعاتن = مشکول) ← (حذف حرف دوم فاعلاتن و حذف یک حرف از آخر فاعلاتن) = مشکول
هزج مفاعیلن	(فعولن = محذوف) ← مفاعی (لن) ← فعولن خوانده می شود = حذف دو حرف از آخر مفاعیلن = محذوف
	(مفعول = اخب) ← فاعیل «م» از اول و «ن» از آخر مفاعیلن ← فاعیل ، مفعول خوانده می شود
	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن = اخب مکفوف محذوف
	مفعول مفاعیل مفاعیل فعل = اخب مکفوف محبوب
	مفاعلن = مقبوض ← حذف حرف پنجم (ی) از مفاعیلن
	مفعول مفاعلن مفاعیلن = هزج اخب مقبوض
	مفعول مفاعلن فعولن = اخب مقبوض محذوف
- رجز 4: مستفعلن	(مفتعلن = مطوی) // حذف حرف (ف) از مستفعلن می شود مستعلن ← می خوانیم مفتعلن
	(مفاعلن = مخبون) // متفعلن ، حذف حرف س از مستفعلن که خوانده می شود مفاعلن

متقارب	فعولن ← فعل = محذوف ← با حذف دو حرف آخر می شود فعو که خوانده می شود فعل
--------	--

اختیارات زبانی	1- امکان حذف همزه : در + آب / د + راب
----------------	---------------------------------------

مضارع	از مفاعیلن + فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مضارع اخر ب (در بحر مفاعیلن ، مفعول ، اخر ب نام دارد) توضیح ↑
مجتث	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن اخر ب مکفوف محذوف (در بحر هزج ؛ مفاعیل مکفوفه. حذف یک حرف آخر) ↑ مستفعلن + فاعلاتن مفاعلن فعلاتن مخبون
منسرح	مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن مخبون محذوف (در مستفعلن ؛ مفاعلن ، مخبون هست ↑ توضیح ← منسرح مطوی مکشوف مفتعلن فاعلن
سریع	منسرح مطوی منحور مفتعلن فاعلات مفتعلن فع مفتعلن مفتعلن فاعلن سریع مطوی مکشوف
خفیف	فعالتن مفاعلن فعلن خفیف مخبون محذوف

<p>الف : بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایان کلمه یا کسره ی اضافه یا <u>واوضمه</u> یا <u>واو عطف</u> :</p> <p>نبینی باغبان ن+بی+نی+با+غ+بان+ چه مایه غم خورد چ+ما+ی+غم+خ+رد+ ویا: شخص خفت و ... شخ+ص+خف+ت+ وز ستیز آمد ... وز+س+تی+زا+</p> <p>ب: کوتاه تلفظ کردن مصوت های بلند (و) (ی) وقتی که بعد از اینها مصوتی بیاید : آرزویی</p>	<p>2- تغییر کمیت مصوت ها :</p>	
<p>بلند بودن هجای پایان مصرع یا پایان یک وزن دوری (حتی اگر کشیده یا کوتاه باشد)</p>		<p>اختیارات وزنی</p>
<p>در وزن فعلاتن ؛ شاعر میتواند در رکن اول ، بجای فعلاتن ، فاعلاتن بیاورد</p>		
<p>ابدال : بجای UU - می توان - - آورد : بجای فعلن ؛ فع لن آورد</p>		
<p>قلب : جابجایی یک هجای کوتاه و یک هجای بلند کنار هم :</p> <p style="text-align: right;">U - - U</p>		

اختیارات زبانی و وزنی در عروض